



University of Science and Quranic Knowledge  
Shah Faculty of Quranic Sciences

## Semantic Analysis of the Arabic Word "Ab" in Verse 74 of Surah al-An'ām: A Comparative Approach Between "Tafsīr al-Mizān" and "Tafsīr Min Waḥy al-Qur'ān"

Seyyed Meysam Mousavi<sup>1</sup>  ; Seyyed Mahmoud Tayyeb Hosseini<sup>2</sup> 

1. PhD Candidate, Department of Qur'an and Hadith Studies, Research Institute of Hawzeh and University, Qom, Iran, (Corresponding Author). [meymosa@gmail.com](mailto:meymosa@gmail.com)
2. Professor, Department of Qur'an and Hadith Studies, Research Institute of Hawzeh and University, Qom, Iran. [tayebh@rihu.ac.ir](mailto:tayebh@rihu.ac.ir)

### Detailed Abstract

**Research Objective:** The primary objective of this study is to examine and analyze verse 74 of Surah al-An'ām, with a particular focus on the relationship between Prophet Ibrahim and Āzar. The use of the word "Ab" in reference to Āzar in this verse raises fundamental questions regarding the meaning and connotation of the term and its compatibility with theological perspectives. On one hand, if "Ab" is taken to mean "biological father," then considering that Āzar was a polytheist, this interpretation conflicts with Shi'i theological foundations, and it encounters a problem. On the other hand, some Sunni Qur'anic exegetes accept this relationship and argue that it poses no contradiction with the prophetic status of Hazrat Ibrahim. As a result, this issue has been a matter of considerable debate among both Sunni and Shi'i exegetes. This study specifically concentrates on a comparative analysis of two prominent Shi'i Qur'anic exegeses: Tafsīr al-Mizān by 'Allāmah Ṭabāṭabā'ī and Min Waḥy al-Qur'ān by 'Allāmah Faḍlullāh. The goal is to reach a fair and well-supported judgment concerning the meaning of the term "Ab" and other associated discussions in this verse. The paper seeks to provide a more nuanced and comprehensive understanding of the topic by analyzing and evaluating various exegetical perspectives.

**Research Methodology:** This study employs a comparative method to examine and contrast the two aforementioned Qur'anic exegeses: al-Mizān and Min Waḥy al-Qur'ān. Although both works are authored by Shi'i scholars, they present differing views in their interpretations of verse 74 of Surah al-An'ām. By conducting a detailed comparative analysis, the author aims to identify the strengths and weaknesses of each Qur'anic exegesis and ultimately arrive at a well-reasoned and holistic conclusion regarding the actual meaning of the word "Ab" and the sur-

Received: 2023/11/04 ; Received in revised from: 2024/03/06 ; Accepted: 2024/03/06 ; Published online: 2025/03/15

◆ How to cite: Mousavi, Seyyed Meysam, Tayyeb Hosseini, Seyyed Mahmoud(1403SH): "Semantic Analysis of the Arabic Word "Ab" in Verse 74 of Surah al-An'ām: A Comparative Approach Between "Tafsīr al-Mizān" and "Tafsīr Min Waḥy al-Qur'ān", *journals Comparative Interpretation Studies*, 9(18), P10-31, [10.22034/esq.2024.423501.1352](https://doi.org/10.22034/esq.2024.423501.1352)

©2025/ Authors retain the copyright and full publishing rights. Published by: Department of Qur'anic Exegesis and Sciences



rounding discussions. Additionally, the study traces the historical development of exegetical opinions on this matter to provide a broader and deeper perspective.

**Findings:** The findings reveal that ‘Allāmah Ṭabāṭabā’ī, in his interpretation of verse 74, not only seeks to affirm the Shi‘i theological view regarding the relationship between Prophet Ibrahim and Āzar but also critically engages with opposing views and evaluates them. He utilizes exegetical and theological tools to conduct an in-depth analysis of the term "Ab", correlating it with other Qur’anic verses and reliable narrations to strengthen his arguments with scholarly and interpretive precision. Conversely, ‘Allāmah Faḍlullāh attempts to critique Ṭabāṭabā’ī’s view and presents an alternative interpretation of the verse. He approaches the issue from a fresh perspective and employs distinct analytical methods. Nevertheless, this study contends that Faḍlullāh’s critiques of Ṭabāṭabā’ī’s view are not particularly robust, and some of them face logical and interpretive challenges.

**Conclusion:** The conclusion of this study indicates that both Tafsīr al-Mīzān and Min Waḥy al-Qur’ān endeavor to provide reasoned and comprehensive interpretations of verse 74 of Surah al-An‘ām. Despite the differences in the perspectives of these two prominent Shi‘i Qur’anic exegetes, each has striven to carefully examine various dimensions of the issue and reach conclusions based on their theological and scholarly frameworks. These differing interpretations reflect the complexity and multifaceted nature of the issue and underscore the need for precision and attentiveness in Qur’anic interpretation—especially in matters such as the familial relationships of Prophets. Moreover, it appears that historical and contextual factors have influenced the formation of the exegetical perspectives. In particular, ‘Allāmah Faḍlullāh’s critique of Ṭabāṭabā’ī’s view may have been shaped by specific intellectual movements within the Islamic world. These contextual influences may have played a significant role in the divergence of their interpretive approaches.

**Keywords:** Āzar, Prophet Ibrahim, Tafsīr al-Mīzān, Min Waḥy al-Qur’ān, Comparative Exegesis

## معناشناسی واژه «أب» در آیه ۷۴ سوره انعام با رویکرد تطبیق میان تفاسیر المیزان و من وحی القرآن

سید میثم موسوی<sup>۱</sup> (ID)، سید محمود طیب حسینی<sup>۲</sup> (ID)

۱. دانشجوی دکتری گروه قرآن و حدیث، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران، (نویسنده مسؤول). meymosa@gmail

۲. استاد گروه قرآن و حدیث، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران. rihu.ac.ir @tayebeh

### چکیده

آیه ۷۴ سوره انعام یکی از آیاتی است که با تعبیر «أب» نسبت «آزر» با حضرت ابراهیم را بیان نموده است. این نسبت اگر به معنای پدر حقیقی باشد با توجه به مشرک بودن «آزر» با مبانی کلامی شیعه و همچنین دیدگاه برخی از اهل سنت ناسازگار است. از سوی دیگر برخی از اهل سنت این نسبت را صحیح دانسته و منافاتی میان آن و نبوت پیامبران نمی بینند. ذیل آیه ۷۴ سوره انعام محل بحث و تضارب آرای بسیاری از مفسران در این مسئله بوده است. هدف این نوشتار این است که در میان آراء مطرح شده ذیل این آیه به قضاوتی منصفانه و مستدل در مورد واژه «أب» و مباحث پیرامون آن برسد. برای نیل به این مقصود ذیل رویکرد تفسیری تطبیقی و با روش توصیفی تحلیلی بین دو تفسیر المیزان و من وحی القرآن که با وجود شیعه بودن مؤلفان، در این موضوع بیانات متفاوتی دارند، مقایسه شده است. این روش به همراه نگاهی اجمالی به سیر تطور دیدگاه مفسران ذیل این آیه نگاه جامعی به ابعاد این مسئله ایجاد می کند. این بررسی ها نشان می دهد علامه طباطبایی در تحلیل خود از این آیه تلاش نموده است تا با نگاهی جامع علاوه بر اثبات دیدگاه کلامی شیعه دلایل مخالفان این دیدگاه را نیز نقد نماید. هرچند علامه فضل الله تلاش کرده است دیدگاه علامه طباطبایی را نقد نماید؛ اما در کنار ضعف این نقدها می توان شرایط محیطی علامه فضل الله را نیز در اتخاذ این رویکرد مؤثر دانست.

**کلیدواژه ها:** آزر، ابراهیم، تفسیر المیزان، تفسیر من وحی القرآن، تفسیر تطبیقی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۱۳ | تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۱۲/۱۶ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۱۶ | تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۱۲/۲۵

◆ استناد به این مقاله: موسوی، سید میثم، طیب حسینی، سید محمود (۱۴۰۳). «معناشناسی واژه «أب» در آیه ۷۴ سوره انعام با رویکرد تطبیق میان تفاسیر «المیزان» و «من وحی القرآن»». *دوفصلنامه مطالعات تفسیری*، ۹(۱۸)، ۱۰-۳۱. csq.2024.423501.1352/10.22034

©2025 نویسندگان، دارنده حق تألیف مقاله خود بدون محدودیت هستند. ناشر: دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم



## ۱. مقدمه

مسئله طهارت اجداد پیامبر اسلام و همچنین سایر پیامبران از کفر و شرک یکی از موضوعات مهم در علم کلام است. در دیدگاه کلام شیعی طهارت ایشان جزو مسائل مورد اتفاق دانسته شده است؛<sup>۱</sup> ولی در میان سایر مذاهب اسلامی اتفاق رأی در این موضوع وجود ندارد. بر اساس روایاتی که از پیامبر (ص) نقل شده است اجداد پیامبر (ص) تا حضرت آدم همه موحد بودند. پیامبر (ص) اسلام در این باره فرمود «دائماً از صلب‌های پاک به رحم‌های پاک انتقال پیدا می‌کردم» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ۱۱۷/۱۵). از آنجا که پیامبر (ص) از نسل حضرت ابراهیم علیه السلام است، طبق این روایات باید ایشان و پدر و اجدادشان هم موحد باشند؛ اما در آیاتی از قرآن، از جمله آیه ۷۴ سوره انعام،<sup>۲</sup> نسبت «آزر» به حضرت ابراهیم «أب» بیان شده است؛<sup>۳</sup> در حالی که وی به تصریح قرآن کریم از مشرکین بوده است (انبیاء/۵۲؛ شعراء/۷۱)؛ اما مطابق دیدگاه کلامی شیعه و حدیث مذکور، پدر حضرت ابراهیم نمی‌تواند مشرک باشد؛ از این رو معنای أب در این آیه‌ها بر معنایی غیر از پدر (عمو یا پدرزن یا ...) باید حمل شود.

آلوسی، مفسر مشهور اهل سنت در قرن ۱۳ هجری، معتقد است آنچه جمع کثیری از اهل سنت بر آن تکیه می‌کردند این بود که آزر پدر ابراهیم (ع) نبود (آلوسی، ۱۴۱۵ ق: ۱۸۴/۴)؛ اما عده‌ای از اهل سنت معتقدند پدر آن حضرت بت‌پرست و نام‌یالقب او نیز «آزر» بود. با پذیرش این دیدگاه که «أب» در این آیه به معنای عمو یا سرپرست به کار رفته است علاوه بر تأیید دیدگاه کلامی شیعه در مورد آباء پیامبر اکرم، این نکته نیز در زمینه ادبی بدست می‌آید که قرآن کریم لزوماً از معنای متعارف کلمات در عصر نزول پیروی نکرده و ممکن است معانی اصلی کلمات را بدون توجه به تغییرات بعدی آن‌ها به کار برد؛ پس همان‌طور که صاحب‌نظران در مورد قواعد تفسیر تأکید کرده‌اند در تفسیر و فهم مفردات آیات باید همه معانی کلمات از منابع معتبر بررسی شود و صرفاً به یک معنای مشهور بسنده نشود (بابایی، ۱۴۰۱ ش: ۸۸).

هرچند در مورد این موضوع به صورت خاص پژوهشی انجام نشده است؛ اما در ادامه به برخی پژوهش‌های مرتبط با این موضوع اشاره می‌شود.

۱. «ان آزر کان جد ابراهیم لأمه أو کان عمه من حیث صح عندهم أن آباء النبی إلى آدم کلهم کانوا موحدین و اجتمعت الطائفة علی ذلک» (طبرسی، ۱۳۷۲ ش: ۴/۴۹۷).

۲. «وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ أَرَزَّ أَتَّخِذُ أَصْنَامًا آلِهَةً إِنِّي أَرَاكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ» (الانعام/۷۴).

۳. الانعام/۷۴؛ مریم/۴۲؛ زخرف/۲۶؛ توبه/۱۱۴؛ ممتحنه/۴.

حسینی میرصفی و همکاران (۱۳۹۱ ش) در مقاله «بررسی آیات ظاهر در نفی عصمت حضرت ابراهیم» به بررسی آیات ظاهر در نفی عصمت حضرت ابراهیم پرداخته و شبهاتی را که درباره حضرت ابراهیم (ع) با استناد به آیات قرآن مطرح شده‌اند مانند شبهه مشرک بودن پدر حضرت ابراهیم و طلب استغفار حضرت برای وی، شبهه دروغ گفتن حضرت، شبهه آرزوی آمرزش از گناهان توسط حضرت، شبهه شک داشتن نسبت به زنده شدن مردگان و شبهه شرک ورزیدن حضرت ابراهیم (ع) بررسی و پاسخ داده است. از جمله این شبهات مشرک بودن پدر حضرت ابراهیم است که نویسنده با استناد به دیدگاه مذهب شیعه آن را رد می‌کند ولی به صورت تفصیلی به دلایل این دیدگاه نمی‌پردازد.

افتخارزاده (۱۳۹۴ ش) در مقاله «نظرخواهی درباره حضرت ابوطالب» که برای پاسخ به پرسش‌های مرتبط با حضرت ابوطالب (ع) تدوین شده، دو مسئله را بررسی کرده است؛ نخست آیات و روایاتی که مقامات و فضائل حضرت ابوطالب را نشان می‌دهد که ضمن این مبحث، به ایمان پدر حضرت ابراهیم (ع) نیز می‌پردازد؛ و دوم انگیزه مخالفان از نسبت دادن موارد ناروا به ابوطالب. در قسمتی از این مقاله با استناد به بیان نام آزر بعد از عبارت «أب» نتیجه می‌گیرد که تأکید قرآن بر بیان نام آزر برای این است که نشان دهد حضرت ابراهیم به دو نفر پدر می‌گفته است. یکی پدر صلبی‌اش تاریخ و دیگری عمویش آزر، به دلیل اینکه در خانه و دامن او پرورش یافته بود. قرآن کریم برای اینکه مشخص شود منظور کدام پدر حضرت ابراهیم است، نام آزر را ذکر می‌کند.

در پژوهش‌های یادشده و سایر آثار مشابه به صورت تفصیلی استدلال‌های مرتبط با نفی یا اثبات نسبت شرک به پدر حضرت ابراهیم بررسی نشده است. پژوهش حاضر علاوه بر نگاهی تفصیلی به استدلال مفسران در این مسئله، سیر تطور تاریخی آن‌ها را نیز مدنظر قرار می‌دهد و به تحلیل این تطورات می‌پردازد. وجه تمایز دیگر نوشتار حاضر با آثار مشابه در اتخاذ رویکرد تطبیقی برای پاسخ به مسئله این پژوهش است.

در این تحقیق ذیل رویکرد تفسیر تطبیقی و با روش توصیفی تحلیلی، به بررسی مفهوم «أب» در آیه ۷۴ سوره انعام می‌پردازیم. تفسیر تطبیقی روشی است مبتنی بر مقایسه دیدگاه‌های مفسران برای دستیابی به شناخت صحیح آیه یا موضوع خاص قرآنی همراه با فهم و تبیین مواضع وفاق و خلاف با هدف رسیدن به فهم صحیح از قرآن کریم (طیب حسینی، ۱۳۸۹ ش: ۲۲۳). در این نوشتار بیان و توضیح صاحبان تفاسیر المیزان فی تفسیر القرآن و من وحی القرآن از آیه ۷۴

سوره انعام تحلیل و مقایسه می‌شود. این دو تفسیر از آثار شاخص و تأثیرگذار تفسیری در جهان اسلام هستند که به دو منطقه فرهنگی مهم در جهان اسلام، ایران و لبنان، تعلق دارند. هرچند هر دو تفسیر مربوط به عالمان شیعه است؛ اما دیدگاه متفاوت مؤلفان و تحلیل و بررسی عوامل این تفاوت انگیزه‌گزینش این تفاسیر است.

برای درک بهتر از تطورات این بحث تفسیری به بررسی دیدگاه مفسران گذشته نیز می‌پردازیم. در ضمن این بررسی‌ها علاوه بر عوامل مرتبط با علم تفسیر، عوامل فرهنگی و محیطی نیز در ایجاد تفاوت در تحلیل این تفاسیر از این آیه مدنظر قرار خواهند گرفت.

## ۲. مروری بر دیدگاه مفسران

دیدگاه مفسران در این آیه را با رویکرد تاریخی و در ضمن دیدگاه موافقان و مخالفان نسبت والدی بودن «آزر» برای حضرت ابراهیم و انواع استدلال‌های ارائه شده توسط هر گروه بررسی می‌کنیم.

### الف) تفاسیر نخستین

در سده‌های اولیه (قرن ۱ تا ۵ هجری) مفسران در اینکه آزر پدر ابراهیم (ع) بوده است تردید نداشتند و بحث‌های تفسیری حول این نکته متمرکز بود که چرا در برخی منابع تاریخی و متون ادیان سابق، نام پدر ایشان «تارخ» بیان شده است؟ برای حل این تعارض برخی مفسران گفتند که آزر نام اصلی وی بود که در زبان قوم ایشان تارخ تلفظ می‌شود (مقاتل، ۱۴۲۳ ق: ۵۶۹/۱) و برخی هم آزر را لقب وی داشتند و نام اصلی او را «تارخ» بیان کردند (فراء، ۱۹۸۰ م: ۳۴۰/۱) برخی نیز احتمال دادند که وی دارای دو اسم، تارخ و آزر، بوده است (طبری، ۱۴۱۲ ق: ۷/۱۵۹).

البته در این میان روایاتی از صحابه هم در تفاسیر نقل شده که نام پدر ابراهیم (ع) را «تارخ» دانسته است. مانند روایتی از ابن عباس که در برخی تفاسیر به آن اشاره شده است (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹ ق: ۱۳۲۵/۴)؛ اما مفسران به ویژه در میان اهل سنت به دلیل اینکه مقصود از تعبیر «ابیه» را در آیه، والد ابراهیم (ع) می‌دانستند این‌گونه روایات را به این بیان که نام اصلی وی تارخ بوده و آزر تلفظی دیگر از نام وی یا لقب او بوده است، توجیه نموده‌اند. البته در انتهای این

۱. وَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ آزَرَ اسْمه بکلام قومه تارح «أَتَتَّخِذُ أَصْنَامًا آلِهَةً إِنْ أَرَاكَ وَ قَوْمَكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ» (انعام/۷۴) - و ولد ابراهیم بکوتی.

دوره اهمیت کلامی این آیه در مسئله نسبت «آزر» با ابراهیم (ع) مورد توجه قرار گرفت. شیخ طوسی بایان نظر اتفاقی شیعه در این باره، دلیل شیعه بر این ادعا که «آزر» پدر ابراهیم (ع) نبوده را علاوه بر اجماع، روایتی صحیح از پیامبر اکرم بیان نموده است به این مضمون که «خداوند مرا از صلب‌های پدرانی طاهر به ارحام مادرانی طاهر منتقل کرد و ناپاکی‌های جاهلیت، مرا دربر نگرفته است»<sup>۱</sup> (مجلسی، ۱۴۰۳: ق: ۱۱۷/۱۵) که این روایت وقتی با آیه «إِنَّمَا الْمُسْرِكُونَ نَجَسٌ» (توبه/۲۸) مقایسه شود، دلیلی است بر اینکه پدر و اجداد پیامبر، از جمله حضرت ابراهیم و پدر ایشان، همگی از نجاست شرک و کفر پاک بوده‌اند. ایشان برای تقویت دیدگاه شیعه برخی اقوال اهل سنت را هم مؤید ضمنی برای این دیدگاه دانسته است. از جمله قول زجاج<sup>۲</sup> که گفته است مورخین اتفاق نظر دارند که نام پدر حضرت ابراهیم (ع) «تارخ» بوده است نه آزر (طوسی، بی تا: ۱۷۵/۴).

در مقابل نیز برخی مفسران به این مسئله کلامی اشاره کرده و با توجه به ظاهر آیه کافر بودن پدر ابراهیم (ع) را نتیجه گرفته‌اند. برای نمونه قشیری در تفسیر خود به صورت موجز به این مسئله اشاره نموده که ابراهیم (ع) با وجود پدری کافر این چنین در توحید استوار باشد، این نشانه‌ای از قدرت و اراده خداوند است<sup>۳</sup> (قشیری، ۲۰۰۰ م: ۴۸۴/۱).

### ب) تفاسیر سده‌های میانی

در سده‌های میانی یعنی قرون ۶ تا ۱۳ هجری توجه به این مسئله کلامی بیشتر شد و مفسران مختلفی به بیان مستدل دیدگاهشان پرداختند. صاحب تفسیر مجمع‌البیان «آزر» را جد مادری یا عموی ابراهیم (ع) دانسته و دلیل عدول از ظاهر آیه را روایت صحیح از پیامبر مبنی بر طهارت آباء پیامبران بیان نموده است که با انضمام آن به آیه ۲۸ سوره توبه موحد بودن آنان را نتیجه می‌دهد. وی علاوه بر آن برای تقویت این دیدگاه به اجماع شیعه بر آن هم اشاره نموده است (طبرسی، ۱۳۷۲ ش: ۴/۴۹۷)؛ اما از سوی دیگر مخالفان دیدگاه شیعی هم وارد میدان بحث درباره جنبه کلامی این آیه شدند که یکی از مهم‌ترین آن‌ها در این دوره تفسیری فخر رازی است. وی پس از نقل دلایل گروهی که «آزر» را پدر ابراهیم (ع) نمی‌دانند به نقد و رد این دلایل پرداخته است. ایشان یکی از دلایل

۱. وَ رَوَّأ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ أَنَّهُ قَالَ: لَمْ يَزَلْ يَنْقُلُنِي اللَّهُ مِنْ أَصْلَابِ الظَّاهِرِينَ إِلَى أَرْحَامِ الْمُظْهَرِّاتِ حَتَّى أَخْرَجَنِي فِي عَالِمِكُمْ هَذَا لَمْ يَدَيْشْنِي بِدَيْسِ الْجَاهِلِيَّةِ.

۲. ابراهیم بن سری بن سهل ابواسحاق مشهور به زجاج، صاحب کتاب «تفسیر معانی القرآن و اعرابه» است.

۳. الأصل مَثْمٌ فِي الْجُودِ، وَ التَّسْلُ مَتَّصِفٌ بِالتَّوْحِيدِ، وَ الْحَقُّ - سَبْحَانَهُ - بِفِعْلِ مَا يَرِيدُ.

محکم خود بر این ادعای، که مراد از «أب» در این آیه همان ظاهر این کلمه یعنی معنای والد حقیقی است را این‌گونه بیان نمود: «اگر آزر پدر حضرت ابراهیم نبود یهود و نصارا و مشرکین، که بسیار بر تکذیب پیامبر اسلام حریص بودند، نباید در برابر این ادعای قرآن سکوت می‌کردند درحالی‌که آن‌ها در این مورد پیامبر را تکذیب نکردند پس روشن می‌شود که این نسبت صحیح بوده و آزر پدر ابراهیم است» (فخر رازی، ۱۴۲۰ ق: ۳۲/۱۳)؛ اما تناقض آشکار در بیان فخر رازی این است که وی قبلاً از قول زجاج بیان کرده بود که نام پدر ابراهیم (ع) «تارخ» است و مشرکین این آیه و نسبت والد بودن «آزر» برای حضرت ابراهیم را به عنوان نقصی در قرآن می‌دانستند و به مسلمانان ایراد می‌گرفتند<sup>۱</sup> (همان: ۳۱/۱۳)؛ اما در اواخر دوره میانی، مهم‌ترین مفسر اهل سنت که مطابق دیدگاه شیعه در این آیه سخن گفته آلوسی صاحب تفسیر روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی است. وی با نقد دیدگاه فخر رازی، دیدگاه خود مبتنی بر اینکه آزر پدر ابراهیم (ع) نبوده را به جمع زیادی از اهل سنت و شیعه منتسب می‌کند. وی برای اثبات این دیدگاه علاوه بر روایت مذکور از پیامبر اکرم، به مواردی از استعمال «أب» در معنای عمو در قرآن و روایات پیامبر اشاره می‌کند<sup>۲</sup> (آلوسی، ۱۴۱۵ ق: ۱۸۴/۴). آلوسی در مهم‌ترین بخش از دلایل خود با اشاره به برخی روایات تابعان می‌گوید: حضرت ابراهیم پیوسته برای «آزر» استغفار می‌کرد تا زمانی که او از دنیا رفت و برای ابراهیم روشن شد که آزر دشمن خداست و امکان هدایت و ایمان او نیست؛ سپس از او تبری جست و دیگر برایش استغفار نکرد. سپس ابراهیم به سمت شام هجرت کرد و در سنین پیری صاحب فرزند شد و آنگاه همسر و فرزندش هاجر و اسماعیل را به سرزمین مکه انتقال و اسکان داد. در آنجا برای والدین خود چنین استغفار کرد: «رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بُوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ... رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ» (ابراهیم/ ۳۷ - ۴۱)؛ بنابراین از این آیه استنباط می‌شود که این والد ابراهیم غیر از «أب» ابراهیم بوده است که سال‌ها قبل از آن، ابراهیم از او برائت جست و دیگر برایش استغفار نکرده است (آلوسی، ۱۴۱۵ ق: ۱۸۵/۴).

۱. قال الزجاج: لا خلاف بين النسابين أن اسمه تارخ، و من الملمدة من جعل هذا طعنا في القرآن. و قال هذا النسب خطأ و ليس بصواب.

۲. و جاء إطلاق الأب على العم في قوله تعالى: أَمْ كُنْتُمْ شُهَدَاءَ إِذْ حَضَرَ يَعْقُوبَ الْمَوْتُ إِذْ قَالَ لِبَنِيهِ مَا تَعْبُدُونَ مِنْ بَعْدِي قَالُوا نَعْبُدُ إِلَهَكَ وَ إِلَهَ آبَائِكَ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ وَ إِسْحَاقَ [البقرة/ ۱۳۳] و فيه إطلاق الأب على الجد أيضا. و عن محمد بن كعب القرظي أنه قال: الخال والد و العم والد و تلا هذه الآية. و في الخبر «ردوا على أبي العباس».

### ج) تفاسیر دوران معاصر

پس از بررسی اجمالی مهم‌ترین دیدگاه‌ها در دوره‌های متقدم به بررسی دیدگاه‌های تفسیری دوره معاصر (قرون ۱۴ و ۱۵ هجری) می‌پردازیم. دو تفسیر مورد مطالعه در این تحقیق یعنی المیزان فی تفسیر القرآن و من وحی القرآن که از تفاسیر شیعی محسوب می‌شوند نیز متعلق به همین دوره است و به همین دلیل بررسی دیدگاه‌های این دوره اهمیت بیشتری می‌یابد. مفسران معاصر، ذیل دو دیدگاه مخالف و موافق با نسبت پدری به «آزر»، تلاش کرده‌اند علاوه بر بازتعریف دلایل گذشته ابعاد جدیدی نیز برای تقویت دیدگاهشان اضافه کنند.

صاحب تفسیر فی ظلال القرآن با بیان این نکته که مسئله عقیده فراتر از روابط اجتماعی مانند رابطه پدر و فرزند است و ابراهیم (ع) هم با وجود مهربانی و مدارای فراوان در مسئله اعتقادی در مواجهه با پدرش به صراحت اعتقاد او را انکار کرد؛ بنابراین نه تنها کافر بودن پدر حضرت ابراهیم نقص نیست بلکه امتیازی برای ایشان و اثبات‌کننده عزم راسخ و فطرت پاک و شایسته ایشان است. در واقع ابراهیم (ع) در این توصیف قرآنی نمونه‌ای کامل از فطرت الهی انسان است (قطب، ۱۴۲۵ ق: ۱۱۳۸/۲).

یکی از تفاسیر اهل سنت در این دوره تفسیر القرآن العظیم مشهور به المنار از رشید رضا است. این تفسیر نوآوری‌هایی در چگونگی تحلیل و نقد دیدگاه‌های مفسران در این آیه ارائه کرده است که توجه به آن برای درک بهتر دیدگاه‌های دو تفسیر المیزان و من وحی القرآن می‌تواند مفید باشد. چراکه این دو تفسیر در مواردی ناظر به دیدگاه‌های المنار سخن گفته‌اند.

صاحب تفسیر المنار ضعیف‌ترین دیدگاه در تفسیر آیه ۷۴ سوره انعام را این قول دانسته که آزر را نام عمومی حضرت ابراهیم بدانیم با این توجیه که در میان عرب به عمو، به صورت مجازی پدر اطلاق می‌شود. دلیل ضعف این دیدگاه هم این است که مجاز نیاز به قرینه دارد در حالی که اینجا و سایر آیات مرتبط قرینه‌ای نداریم (رشید رضا، ۱۴۱۴ ق: ۵۳۶/۷).

وی پس از نقل دیدگاه آلوسی که با دیدگاه شیعه همسوست، به سرزنش وی پرداخته و با تحلیل انگیزه آلوسی تلاش کرده تا استدلال او را تحت الشعاع قرار دهد. رشید رضا در مورد انگیزه آلوسی می‌گوید: «عجیب است که این لغزش از سوی چنین شخصیت دقیقی رخ داده است و قطعاً ناشی از شور و شوقی است که در دل داشته است، یعنی تمایل به دلیلی که حاکی از رستگاری همه پدران و اجداد پیامبر اسلام و ابراهیم علیهما السلام باشد؛ زیرا آنان بهترین پسران و نوادگان، محمد و ابراهیم (ع) را به دنیا آوردند؛ اما اگر ثابت شود که برخی از آنان

بر کفر پافشاری کردند و حکمت خداوند بیان آن در قرآن کریم بوده است، حال آیا لازمهٔ محبت خدا و رسولش بیان این مطلب همان طور که هست و ما هم بیان کردیم است؟ یا تحریف و تفسیر خلاف واقع از این آیه برای مبالغه در بزرگداشت نسب و آباء پیامبران؟» (همان: ۷/ ۵۳۸).

#### د) جمع بندی دیدگاه مفسران

در بررسی تطورات دیدگاه‌های تفسیری در مورد مراد از واژه «أب» در آیه ۷۴ سوره انعام دو دیدگاه محوری مشاهده می‌شود:

۱. مفسرانی که با توجه به ظاهر آیه، «آزر» را پدر حضرت ابراهیم می‌دانند و این را معنای صریح آیه معرفی می‌کنند. خلاصهٔ بیان این دسته این است که معنای حقیقی واژه «أب» پدر است و قرینه‌ای هم بر ارادهٔ معانی دیگر از این واژه نداریم. البته در دورهٔ معاصر در برخی تفاسیر اهل سنت مانند المنار تلاش شده است تا برای تقویت این دیدگاه و تضعیف دیدگاه طرف مقابل، انگیزه‌های صاحبان دیدگاه مخالف تحلیل و سپس آن انگیزه‌ها نامعقول جلوه داده شود یا آن‌گونه که سید قطب در فی ظلال القرآن عمل کرده است این دیدگاه با پیرنگ حماسی تقویت شود (قطب، ۱۴۲۵ ق: ۱۲/ ۱۱۳۸).

۲. مفسرانی که «آزر» را پدر حضرت ابراهیم (ع) نمی‌دانند و وی را عمویا جد مادری ایشان معرفی می‌کنند. دلایل این دسته عبارت است از:

آزر کافر بود؛ ولی پدران و اجداد پیامبر کافر نبودند: کی از مهم‌ترین دلایل این ادعا روایتی است از پیامبر که فرمودند همهٔ اجداد من طاهر بودند. این روایت به ضمیمهٔ آیه ۲۸ سوره توبه که مشرکان را نجس دانسته است بر غیرمشترک بودن آباء پیامبر اکرم از جمله پدر حضرت ابراهیم دلالت می‌کند.

استعمال واژه «أب» در معنایی غیر از پدر: یکی از دلایل کسانی که «أب» در آیه مورد بحث را به معنای پدر حضرت ابراهیم می‌دانند این است که معنای حقیقی این واژه والد است و هر چند در کاربردهای مجازی ممکن است به معنای عمو و... بکار رود اما در این آیه قرینه‌ای بر ارادهٔ معنای مجازی از آن وجود ندارد. در مقابل مخالفان این دیدگاه هم معتقدند «أب» در قرآن کریم در معنایی غیر از پدر و بدون قرینه استعمال شده است (بقره/ ۱۳۳): ۲؛ همچنین در روایتی از پیامبر

۱. وَرَوَّاعِنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ قَالَ: لَمْ يَزَلْ يَتَقَلَّبُ اللَّهُ مِنْ أَصْلَابِ الظَّاهِرِينَ إِلَى أَرْحَامِ الْمُطَهَّرَاتِ حَتَّى أَخْرَجَنِي فِي عَالِمِكُمْ هَذَا لَمْ يَدْنَسْنِي بِدَنَسِ الْجَاهِلِيَّةِ (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۵/ ۱۱۷).

۲. «أَمْ كُنْتُمْ شُهَدَاءَ إِذْ حَضَرَ يَعْقُوبَ الْمَوْتُ إِذْ قَالَ لِبَنِيهِ مَا تَعْبُدُونَ مِنْ بَعْدِي قَالُوا نَعْبُدُ إِلَهَكَ وَإِلَهَ آبَائِكَ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ».

این واژه در معنای عمو بکار رفته است. ایشان درباره عمویشان عباس فرمودند: «رَدَّوْا عَلٰی اَبٰی، فَاِنِّیْ اُخْشٰی اَنْ تَفْعَلَ بِهٖ قَرِیْشٌ مَا فَعَلْتَ ثَقِیْفٌ بَعْرُوَةُ بِنُ مَسْعُوْدٍ» (زمخشری، ۱۴۰۷ ق: (۱۹۳/۱). این موارد نشان می‌دهد معنای حقیقی «أب» در عصر نزول منحصر در والد نبوده است؛ اما بررسی لغوی «أب» نشان می‌دهد ریشه این واژه لزوماً بر پدر به معنای والد حقیقی، دلالتی ندارد. ابن فارس می‌گوید: همزه و باء و واو بر تربیت کردن و غذا دادن دلالت دارد. «أَبُوْتُ الشَّیْءِ، أَبُوهُ، أَبَوًّا» یعنی به او غذا دادم و پدر را بدان جهت «أب» خوانند که برای فرزند غذا تهیه می‌کند (ابن فارس، ۱۳۹۹: ۴۴/۱؛ مصطفوی، ۱۴۱۶ ق: (۱۳/۱). فراهیدی در العین نیز همین نظر را تأیید می‌کند و می‌نویسد: «فَلَانٌ یُّأَبُّوُ الْیَتِیْمَ» یعنی فلانی به یتیم طعام می‌دهد چنانکه پدر فرزندش را غذا می‌دهد (فراهیدی، بی‌تا: ۴۱۹/۸).

از واژه «أب» فعل نیز ساخته شده و در معنای تربیت و تغذیه به کار می‌رود: «ما له أَبٌ یُّأَبُوهُ» یعنی او پدری ندارد که به او غذا دهد و تربیتش کند و «فَلَانٌ یُّأَبُّوُکَ» یعنی فلانی برای تو مانند پدر است و «فَلَانٌ یُّأَبُّوُ هَذَا الْیَتِیْمَ» یعنی فلانی مانند پدر به این یتیم غذا می‌دهد (ازهری، ۱۴۲۱ ق: (۴۳۱/۱۵)؛ اما راغب معتقد است که «أب» همان «والد» است و هرکسی که سبب ایجاد چیزی یا اصلاح یا ظهور آن شود «أب» نامیده می‌شود (راغب، ۱۴۱۶ ق: (۵۷). البته وی می‌گوید به عمو همراه با پدر «أبوین» گویند، همچنان که به مادر همراه با پدر نیز «أبوین» گفته می‌شود (همان: ۵۷) اطلاق «أب» بر عمو قاعدتاً باید بدین جهت باشد که عمو نقش غذا دادن و تربیت کردن برادرزاده خود را به عهده گرفته است یا در معرض چنین نقشی باشد، به همین جهت است که نام پدر بر او غلبه داده شده و از آن دو به «أبوین» تعبیر می‌شود.

۳. کاربردهای قرآنی «أب»: استعمال «أب» به معنای والد حقیقی در قرآن کریم موارد متعددی دارد. برای نمونه «قَالَتَا مَا نَسْقٰی حَتّٰی یَصْدِرَ الرِّعَاءُ وَ اَبُوْنَا شِیْخٌ کَبِیْرٌ» (قصص/۲۳)؛ اما موارد استعمال أب در معنایی غیر از والد حقیقی در قرآن کریم عبارت است از:

أب به معنای عمو: در قرآن کریم می‌توان استعمال «أب» در معنای عمو را در یک آیه مشاهده کرد. خداوند در قرآن اسماعیل (ع) را که عموی یعقوب (ع) است به عنوان پدر ایشان معرفی می‌کند. ۱۰ (بقره/۱۳۳) البته به جز این مورد نمی‌توان برای استعمال أب در معنای عمو نمونه‌ای دیگر از قرآن یافت.

أب به معنی پدر با واسطه: یعنی جد و اجداد، اعم از جد پدری یا مادری، برای

۱. «أَمْ كُنْتُمْ شُهَدَاءَ إِذْ حَضَرَ يَعْقُوبَ الْمَوْتُ إِذْ قَالَ لِبَنِيهِ مَا تَعْبُدُونَ مِنْ بَعْدِي قَالُوا نَعْبُدُ إِلَهَكَ وَإِلَهَ آبَائِكَ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِلَهًا وَاحِدًا وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ».

نمونه آیه‌ای که می‌فرماید: «فَإِذَا قَضَيْتُمْ مَنَاسِكَكُمْ فَاذْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ آبَاءَكُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِكْرًا» (بقره/۲۰۰) و آیه «وَ اتَّبَعْتُ مِلَّةَ آبَائِي إِبْرَاهِيمَ وَ اسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ» (یوسف/۳۸)؛ و آیین پدران خویش، ابراهیم و اسحاق و یعقوب را پیروی می‌کنم. در این آیه حضرت یوسف از حضرت ابراهیم و اسحاق نیز در کنار حضرت یعقوب که پدر بی‌واسطه‌اش است، به عنوان پدر یاد کرده است.

أب به معنی پدر و یکی از اقوام: همان‌طور که در تحلیل لغوی بیان شد وقتی «أب» به صورت مثنی می‌آید در معانی مانند پدر و مادر، پدر و عمو و پدر و جد می‌آید. در قرآن کریم هم این نوع معنا استعمال شده است؛ مانند «يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم مِّنَ الْجَنَّةِ...» (اعراف/۲۷) که ابویین به معنای پدر و مادر است هرچند در این آیه پدر و مادر نوع انسان یعنی حضرت آدم و حوا مدنظر بوده است: «وَ رَفَعَ أَبَوَيْهِ عَلَى الْعَرْشِ» (یوسف/۱۰۰). به نظر مفسران مقصود از «ابویین» در این آیه پدر و خاله حضرت یوسف است که بعد از درگذشت مادر یوسف به هنگام زایمان بنیامین، یعقوب با وی ازدواج کرده بود.

أب به معنی اسلاف و گذشتگان: به نظر برخی مفسران در برخی از آیات همچون «مَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي آبَائِنَا الْأُولَىٰ» مقصود از «آباء» اسلاف و گذشتگان است و لو اینکه از اجداد نباشند (واعظ زاده، ۱۳۸۷ ش: ۱/ ۱۸۲).

با توجه به تحلیل لغوی «أب» و همچنین کاربردهای عرفی، روایی و قرآنی این کلمه روشن شد که ریشه این واژه تغذیه و ایفای نقش در رشد جسمی یا معنوی است و به همین دلیل به والد، أب اطلاق می‌شود؛ بنابراین بر هرکسی که در رشد و نگهداری انسان نقش مهمی داشته باشد می‌توان «أب» اطلاق کرد. هرچند می‌توان گفت کثرت استعمال «أب» در معنای والد حقیقی به‌ویژه در کاربردهای اسمی و مفرد این کلمه باعث حقیقت شدن این معنا برای «أب» شده است؛ اما با توجه به اطلاق «أب» به عمو در قرآن و روایتی که از پیامبر نقل شد این ادعا مورد تردید قرار می‌گیرد و ممکن است گفته شود در صدر اسلام و زمان نزول قرآن کریم هنوز «أب» در معنای والد متعین نشده بود. البته در کاربردهای تثنیه و جمع می‌توان گفت خود جمع یا تثنیه بودن قرینه‌ای است بر معنایی فراتر از والد حقیقی زیرا والد حقیقی فقط یک نفر است و وقتی سخن از آباء یا ابویین یک نفر است باید مقصود فراتر از والد حقیقی وی باشد. پس محل اصلی بحث را باید در کاربردهای واژه «أب» به صورت مفرد قرارداد به این بیان که آیا در کاربردهای مفرد این واژه معنای والد تبدیل به معنای حقیقی شده است تا برای اراده معنایی غیر از والد نیاز به قرینه باشد یا خیر؟

### ۳. روایات تاریخی و عهدین

همان‌طور که در بررسی تفاسیر سده‌های نخستین بیان شد برخی مفسران با استناد به روایاتی از صحابه و تابعین پدر حقیقی ابراهیم (ع) را شخص دیگری غیر از آزر دانستند که قرآن از او اسم نبرده بلکه روایات نام او را «تارخ» معرفی کرده‌اند. تورات نیز این نام را تأیید نموده است (تورات، سفر پیدایش، باب ۲۷/۱). از میان اناجیل هم انجیل لوقا نام وی را «تارخ» ذکر کرده است (لوقا، فصل ۳/۳). البته اینکه نام پدر حضرت ابراهیم در کتب مقدس نامی غیر از «آزر» است کمکی به اثبات نهایی دیدگاه کافر نبودن آباء پیامبران نمی‌کند؛ زیرا در برخی از کتب مقدس به بت پرست بودن «تارخ» تصریح شده است و روایتی مخالف این دیدگاه در سایر کتب مقدس وجود ندارد. برای نمونه در کتاب «یوشع» تارخ را بت پرست معرفی کرده است و در کتاب «ایوب» ماجرای مشاجره حضرت ابراهیم با تارخ را درباره بت پرستی به طور مفصل شرح داده است. این قسمت با بیان قرآن درباره مشاجره حضرت ابراهیم با «آزر» شباهت زیادی دارد (ماسون، ۱۳۸۵ ش: ۴۳۸).

### ۴. تحلیل و بررسی

بعد از بیان سیر تاریخی تفسیر این آیه و ارائه فضای کلی بحث در ضمن دو عنوان دلایل موافقین و مخالفین نسبت والدیت حضرت ابراهیم (ع) به «آزر»، اکنون به بررسی و مقایسه دیدگاه دو تفسیر المیزان و من وحی القرآن می‌پردازیم.

#### الف) المیزان فی تفسیر القرآن

مؤلف این تفسیر علامه سید محمد حسین طباطبایی (۱۲۸۱ ش - ۱۳۶۰ ش) فیلسوف و مفسر قرآن کریم و احیاکننده روش تفسیری قرآن به قرآن در دوره معاصر است. علامه طباطبایی در تفسیر آیه ۷۴ سوره انعام ابتدا به توضیح کلمه «آزر» پرداخته و پس از بیان اختلاف قرائت‌ها در این کلمه و تأیید قرائت مشهور، دو مسئله اصلی در مورد این آیه را این‌گونه بیان کرده است:

۱. «آزر» اسم علم است یا لقب؟ وی منشأ این اختلاف را روایاتی دانسته است که نام پدر ابراهیم (ع) را «تارخ» بیان کرده‌اند (طباطبایی، ۱۳۹۰ ق: ۱۶۱/۷).
۲. مقصود از «آب» در این آیه چیست؟ پدر حضرت ابراهیم، عمو، جد مادری یا بزرگ خانواده ایشان؟ علامه منشأ این مسئله را هم روایات اختلافی در مورد موحد یا مشرک بودن پدر حضرت ابراهیم دانسته است (همان: ۱۶۲/۷).

۱. «و این است پیدایش تارخ که تارح، ابرام و ناحور و هاران را آورد و هاران لوط را آورد.»

علامه سایر مسائل و اختلافاتی که درباره ابراهیم (ع) در روایات تاریخی و عهد عتیق نقل می‌شود را دور از شأن پیامبری ایشان دانسته است که پرداختن به آن‌ها متناسب با بحث تفسیری نیست. ایشان در ادامه و برای بررسی این دو مسئله به تحلیل آیات مرتبط با داستان حضرت ابراهیم می‌پردازد و با بررسی سیر تاریخی آیات مربوط به حضرت ابراهیم و «آزر» اولین گزاره مرتبط را آیتی از سوره مریم دانسته که مربوط به اوایل نبوت ایشان است. در آیات ۴۱ تا ۴۵ این سوره از شخصی با عنوان «أب» یاد شده است که ابراهیم (ع) تلاش می‌کند وی را از بت پرستی بازدارد؛ اما این شخص در پاسخ به دعوت ابراهیم (ع) وی را از خود رانده و وی را تهدید به مجازات کرده است (مریم/۴۶). در مقابل ابراهیم (ع) در گفتاری مسالمت آمیز به او وعده می‌دهد که برایش از خدا طلب آموزش خواهد کرد (مریم/۴۷)؛ سپس آن منطقه را ترک کرده و از آن‌ها جدا شده است (مریم/۴۸). علامه سپس مقطع بعدی در حیات حضرت ابراهیم را در آیه ۸۹ سوره شعرا می‌یابد. آنجا که به وعده خود در طلب آموزش برای «آزر» عمل می‌کند. علامه عبارت «إِنَّهُ كَانَ مِنَ الصَّالِينَ» در این آیه را حاکی از این معنا می‌داند که این طلب استغفار مربوط به پس از مرگ «آزر» یا بعد از جدایی و ترک او و قومش انجام شده است (طباطبایی، ۱۳۹۰ ق: ۱۶۳/۷) علامه در ادامه به آیه ۱۱۴ سوره توبه می‌پردازد: «وَمَا كَانَ اسْتِغْفَارُ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ إِلَّا عَن مَّوَدَّةٍ وَعَدَّهَا بِإِذْنِ اللَّهِ فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ أَنَّهُ عَدُوٌّ لِلَّهِ تَبَرَّأَ مِنْهُ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَأَوَّاهٌ حَلِيمٌ»؛ و این‌گونه نتیجه می‌گیرد که صدر این آیه پیامبر و مؤمنان را از استغفار برای مشرکان حتی اگر خویشاوند نزدیک باشند، زمانی که یقین به دوزخی بودن آنان و عدم امکان هدایت آنان دارند، نهی کرده است. روشن است که تنها بعد از مرگ آن خویشاوندان است که می‌توان به دوزخی بودن آنان یقین کرد، بنابراین تا خویشاوندان و پدر و مادر مشرک در قید حیات باشند دعا کردن در حق آنان مانعی ندارد، اما پس از مرگ آنان با حال شرک، دعا در حق آنان جایز نیست، از این رو معلوم می‌شود که حضرت ابراهیم در اوایل زندگی و تا زمانی که «آزر» در قید حیات بوده در حق وی استغفار کرده است، اما پس از مرگ وی یا پس از هجرت به شام که برای وی آشکار شده پدرش دیگر قابل هدایت نیست از او برائت جسته و برایش دعا و استغفار نکرده است (همان، ۱۶۳/۷).

پس سیر تاریخی که تا اینجا با تحلیل آیات مربوط به زندگی حضرت ابراهیم توسط علامه استخراج شد به طور خلاصه این‌گونه است: دعوت به توحید و نفی

۱. «وَأَعْتَرِكُمْ وَمَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَأَدْعُوا رَبِّي عَسَىٰ أَلَّا أَكُونَ بِدُعَاءِ رَبِّي سَقِيًّا».

شرک، برخورد مشکران با ایشان، وعده استغفار به آزر، ترک آن مردم، استغفار برای آزر، برائت جستن از آزر.

علامه همه این حوادث را مربوط به بخش اول دوران نبوت ایشان دانسته است؛ زیرا بعد از این حوادث و ترک آن مردم، خداوند از نجات دادن ابراهیم (ع) از شر آن مردم و سپس مهاجرت او و درخواست اولاد صالح و سپس اعطای فرزند به ایشان خبر داده است (الصافات/۱۰۰؛ الانبیاء/۷۲)؛ اما مرحله اصلی استدلال علامه این است که پس از تبیین سیر تاریخی این حوادث، به دعایی در دوران انتهایی نبوت ایشان و در مکه استناد می‌کند. علامه آیه ۴۱ سوره ابراهیم را مربوط به آخرین مرحله از داستان حضرت ابراهیم در قرآن دانسته است. ابراهیم (ع) در این آیه پدر و مادرش طلب استغفار می‌کند. ۱. علامه این استغفار که در دوران متأخر از طلب استغفار برای «آزر» و سپس برائت از وی صورت گرفته را دلیلی متقن بر این حقیقت دانسته است که پدر حقیقی ابراهیم (ع) شخصی غیر از آزر بوده است ۲ (طباطبایی، ۱۳۹۰ ق: ۱۶۴/۷)؛ بنابراین علامه معتقد است این آیات با سیاقشان و زمان‌های مختلفی که قصه ابراهیم (ع) در آن رخ داده است، آشکارا دلالت دارند که این پدری که ابراهیم در سنین پیری در تعبیر «وَالِدَيَّ» برایش دعا و استغفار کرده است غیر از «آزر» است که پیش از این با تعبیر «أبيه» از وی برائت جسته است.

سپس علامه با بیان شواهدی به تقویت تحلیل خود از آیات پرداخته است:

۱. در این دعای آخر، تعبیر «والدین» استفاده شده است و والد فقط بر پدر حقیقی و صلبی اطلاق می‌شود. در حالی که «أب» که قبل از این آیه چندین بار در مورد «آزر» به کار رفته است، از نظر لغوی به هر کسی که مسئولیت امور انسان را به عهده دارد، مانند جد، عمو و بزرگ خاندان اطلاق می‌شود.

۲. در قرآن کریم «أب» بر غیر از پدر صلبی هم اطلاق شده است؛ مانند آیه ۱۳۳ سوره بقره که از ابراهیم و اسماعیل (ع) که جد و عمو حضرت یعقوب بودند، به «أب» تعبیر شده است.

۳. علامه این توسعه معنایی در واژه «أب» را امری طبیعی می‌داند که علاوه بر عربی در سایر زبان‌ها هم وجود دارد (طباطبایی، ۱۳۹۰ ق: ۱۶۵/۷).

۱. «رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ».

۲. والآية بما لها من السياق وبما احتف بها من القرائن أحسن شاهد على أن والده الذي دعا له فيها غير الذي يذكره سبحانه بقوله: «لأبيه آزر» فإن الآيات كما ترى تنص على أن إبراهيم (ع) استغفر له وفاء بوعده ثم تبرأ منه لما تبين له أنه عدو لله، ولا معنى لإعادته (ع) الدعاء لمن تبرأ منه ولاذ إلى ربه من أن يمسه فأبوه آزر غير والده الصلبي الذي دعا له ولأمه معا في آخر دعائه.

۴. علامه یکی دیگر از مؤیدات نظر خود را این نکته دانسته که نام پدر حضرت ابراهیم در برخی روایات و به ویژه در تورات «تارخ» بیان شده است. علامه با این تحلیل سایر روش ها، مانند مراجعه به روایات تاریخی و بحث های ادبی در لفظ «آزر» و نقش آن در جمله را برای فهم مقصود این آیه نفی می کند و آن ها را ناکافی می داند (همان: ۱۶۵/۷)؛ بنابراین علامه طباطبایی در تفسیر این آیه با بررسی دلایل ارائه شده توسط طرفین نزاع، علاوه بر استفاده از دلایل مفسران قبلی، دلیلی متقن بر نفی نسبت پدری آزر برای ابراهیم (ع) مبتنی بر روش تفسیری قرآن به قرآن ارائه کرده است. این دلیل که شرح آن در این تحقیق گذشت یکی از اشکالات اصلی که توسط مفسران بر تلقی شیعی از این آیه وارد شده را نیز پاسخ می دهد به این بیان که اگر بپذیریم معنای حقیقی «أب» والد است، باید برای اراده معنای مجازی مانند عمو از «أب» قرینه ای ارائه کنیم که منتقدان معتقدند اینجا قرینه ای وجود ندارد؛ اما علامه با استناد به آیات مرتبط با این آیه به ویژه با بیانی که ذیل آیه ۴۱ سوره ابراهیم مطرح می کند، علاوه بر اثبات مطلوب خود در واقع قرینه ای منفصل را بر اراده معنای مجازی از «أب» در آیه ۷۴ سوره انعام نیز ارائه کرده است.

### ب) من وحي القرآن

تفسیر من وحي القرآن از تفاسیر شیعه به زبان عربی اثر سید محمد حسین فضل الله (۱۳۱۴-۱۳۸۹ ش) عالم دینی شیعه اهل لبنان است. این تفسیر در واقع، سلسله درس های قرآنی فضل الله برای جوانان و تحصیل کردگان است. تفسیر من وحي القرآن، کل قرآن را در بر گرفته و از تفاسیر علمی با رویکرد اجتماعی به شمار می رود.

علامه فضل الله در ابتدای تفسیر این آیه به تحلیل لغت «أب» پرداخته و نظر راغب در مفردات را بیان نموده است که «أب» به والد و هرکسی که در ایجاد شیء یا رشد و اصلاح او نقش دارد اطلاق می شود مانند جد و عمو که در آیه ۱۳۳ سوره بقره به اسماعیل (ع)، با اینکه عموی حضرت یعقوب است «أب» اطلاق شده است؛ اما فضل الله این استعمال را از باب تغلیب دانسته و می گوید: «أب» وقتی به صورت مفرد بیاید بر عمو اطلاق نمی شود مگر به صورت مجازی؛ و این دلیلی است بر اینکه مراد از «آزر» در این آیه نمی تواند عموی ابراهیم (ع) باشد (فضل الله، ۱۴۱۹ ق: ۱۷۱/۹).

فضل الله در نقد استناد برخی مفسران به روایت پیامبر در مورد طهارت آباء و اجداد ایشان و ضمیمه کردن این روایت به فرازی از آیه ۲۸ سوره توبه که می فرماید:

«إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ» و سپس اثبات موحد بودن همه اجداد پیامبر از جمله پدر ابراهیم (ع)، می‌گوید:

می‌توان بر این استدلال این اشکال را وارد کرد که معنای ظاهر از واژه‌های «الطاهرین» و «المطهرات» در این روایت نبوی، طهارت در ولادت است (نه طهارت از کفر) و چه بسا سخن برخی از مفسران که «آزر» را جد مادری ابراهیم دانسته‌اند مؤید این مطلب باشد؛ زیرا حکایت از کافر بودن جد مادری او دارد و نسب ابراهیم (ع) به او هم مربوط است. پس اگر برای مقام پیامبر کفر اجداد از طرف پدر قبیح است از طرف مادر هم قبیح است؛ زیرا معیار یعنی قبح پیوند نسب او با کافران در جد پدری و مادری یکسان است. پس معلوم می‌شود منظور از این روایت طهارت مولد است. وی در ادامه می‌گوید: علاوه بر این استناد به آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ هَذَا...» (توبه/۲۸) برای اثبات عدم طهارت کفار و مشرکین و در نتیجه غیرممکن بودن وجود مشرک و کافر در آبا پیامبر هم صحیح نیست؛ زیرا ظاهر از آیه با در نظر گرفتن سیاق این آیات نجاست معنوی است (فضل الله، ۱۴۱۹ ق: ۹/۱۷۲). البته وی توضیح نمی‌دهد که چگونه سیاق می‌تواند ظاهر این آیه را که نجاست را به صورت مطلق بیان کرده، تغییر دهد. به هر حال هرچند نجاست قابلیت تقسیم به معنوی و ظاهری را دارد؛ ولی تخصیص نجاست در آیه به نجاست معنوی، نیازمند دلیل محکمی است. علاوه بر اینکه ادامه آیه می‌تواند مؤیدی باشد بر اینکه مقصود آیه نجاست ظاهری هم هست چون در ادامه آیه و به عنوان نتیجه آیه، مشرکین از ورود به مسجد الحرام نهی شده‌اند؛ درحالی که اگر مقصود نجاست معنوی و باطنی باشد شامل گروه‌های دیگری مانند منافقین یا مسلمانانی که فقط در ظاهر مسلمان‌اند هم می‌شود و باید آنان هم از ورود به مسجد الحرام نهی شوند.

در ادامه فضل الله به بیان استدلال اصلی صاحب المیزان و نقد آن پرداخته و گفته است: مؤلف تفسیر المیزان کوشیده تا ثابت کند آزر پدر ابراهیم نیست، زیرا خداوند در قرآن فرموده است که ابراهیم از استغفار برای پدر خود که در قرآن به نام «آزر» آمده است خودداری کرد؛ و پس از روشن شدن دشمنی او با خدا، از او براءت جست، یعنی رابطه خود را با او قطع کرد و دیگر برایش استغفار نکرد. درحالی که قرآن کریم می‌فرماید که ابراهیم در آخر عمر خویش برای پدر و مادرش طلب آمرزش کرد و به خداوند متعال عرض کرد: پروردگارا مرا و پدر و مادرم و مؤمنان را در روزی که حساب برپا می‌شود ببخش (فضل الله، ۱۴۱۹ ق: ۱۷۳/۹).

وی سپس به توضیح بیان علامه طباطبایی که در بخش قبل به تفصیل بیان شد، پرداخته و در ادامه اشکالاتی را به ایشان وارد کرده است. برخی از این اشکالات به مؤیداتی است که صاحب المیزان برای تأیید دیدگاه خود آورده است که در ادامه بیان خواهد شد؛ اما اشکال فضل الله به استدلال اصلی علامه طباطبایی این است که:

صاحب المیزان می‌گوید پس از اعلام برائت از «آزر» ابراهیم برای او دعا نکرده است؛ درحالی‌که در مرحله‌ی اخیر عمر خویش برای والدینش طلب استغفار نموده است پس معلوم می‌شود والد حقیقی او «آزر» نیست؛ اما این بیان رد می‌شود؛ زیرا برائت از «آزر» به دلیل کفر و ضلالت او بود و ابراهیم (ع) از ابتدا حتی زمانی که به او وعده استغفار داد این برائت را داشته است. شاهد این بیان هم این آیه است که ابراهیم پس از وعده استغفار به آزر می‌گوید: «وَأَعْتَزِلْكُمْ وَمَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ» (مریم/ ۴۸) (فضل الله، ۱۴۱۹ ق: ۱۷۳/۹).

درواقع فضل الله مفهوم عبارت «واعتزلکم» در این آیه که به معنای ترک آن قوم و گوشه‌گیری از آنان است را همانند معنای برائت صریحی که از حضرت ابراهیم در آیه ۱۱۴ سوره توبه نسبت به آزر بیان شد می‌داند (همان: ۱۷۳/۹) البته صاحب المیزان برائت جویی ابراهیم از «آزر» را پس از این هجرت و کناره‌گیری بیان شده در آیه ۴۸ سوره مریم دانسته است.

فضل الله در ادامه به دعای ابراهیم (ع) برای والدینش اشاره می‌کند و آن را دعایی عمومی برای طلب استغفار می‌داند. وی معتقد است ابراهیم (ع) در این دعا نظر خاص به پدر و مادر خویش نداشته است و درواقع روش عمومی استغفار که توسط مؤمنین استفاده می‌شود را به‌کار برده است. وی برای تأیید این ادعا می‌گوید: اینکه ابراهیم در این دعا با طلب آمرزش برای خویش آغاز کرده است نظر ما را تأیید می‌کند؛ زیرا ابراهیم معصوم بود و دلیلی نداشت تا برای خویش استغفار کند. پس روشن می‌شود که این دعا به نحو عام از لسان ابراهیم (ع) جاری شده است و والدین ایشان به صورت خاص مدنظر وی نبودند (فضل الله، ۱۴۱۹ ق: ۱۷۴/۹).

باید توجه داشت که استغفار معصومین (ع) می‌تواند اقتضای نقص بنده در برابر خداوند متعال باشد و لزوماً به معنی ارتکاب گناهان مصطلح توسط آنان نیست. به‌هرحال در این فراز هم به‌جز بیان مذکور دلیل روشنی توسط فضل الله برای صرف نظر از ظاهر آیه و اختصاص آن به استغفار عمومی ارائه نشده است؛ اما در ادامه فضل الله ناظر به شواهدی که علامه برای تقویت دیدگاه خویش بیان کرده است، نکاتی را متذکر می‌شود:

۱. تأکید قرآن بر کلمه «أب» در بیان رابطه ابراهیم با «آزر» و استفاده ابراهیم از همین عنوان در سخنانش با آزر و دعایی که برای وی کرده است همگی دلالت دارد بر اینکه مقصود از أب همان رابطه اصلی نسبی میان پدر و فرزند است همان طور که معنای متبادر از أب همین است (همان: ۱۷۴/۹). البته استفاده از تبادر به عنوان نشان معنای حقیقی یک لفظ صحیح است و فضل الله در مورد معنای حقیقی أب به معنای متبادر از آن استناد می‌کند. البته وی مشخص نکرده است که این معنای متبادر در زمان کنونی در زمان نزول قرآن هم به همین شکل بوده است یا خیر؟

۲. نمی‌توان کاربرد أب در معنای عمورا با توجه به آیه ۱۳۳ سوره بقره به عنوان استعمالی قرآنی تجویز کرد؛ زیرا در این آیه از باب تغلیب اسماعیل (ع) هم جزو أباً حضرت یعقوب قلمداد شده است. پس استعمال أب در غیر والد حقیقی فقط به صورت مجازی جایز است (همان: ۱۷۴/۹). البته حقیقت بودن معنای پدر برای «أب» مورد پذیرش همه مفسران نیست همان طور که صاحب تفسیر احسن الحدیث پس از نقل ادله روایی و تاریخی مورد استناد مفسران شیعه، به تحلیل لغوی واژه «أب» پرداخته و گفته است: «تدبّر در کلام عرب و آیات قرآن کریم نشان می‌دهد که معنای حقیقی أب گرچه پدر اصلی است؛ ولی در غیر آن نیز به قدری استعمال شده که نزدیک است معنای اصلی گاهی به قرینه محتاج باشد (قرشی، ۱۳۶۴: ۸۳/۱).

البته اگر بپذیریم معنای حقیقی «أب» والد حقیقی است و عدول از این معنا محتاج قرینه است؛ می‌توان بیان صاحب المیزان در استناد به ترتیب تاریخی آیات مربوط به حضرت ابراهیم و دعای اخیر ایشان برای والدینش را قرینه‌ای منفصل بر اراده معنای مجازی از «أب» در آیه ۷۴ انعام بدانیم.

۳. فضل الله معتقد است تکرار کلمه «أب» در قرآن و بیان نام پدر ابراهیم (ع) یعنی «آزر» و همچنین سبک سخن گفتن وی با ابراهیم که از موضع بالا بوده است، نشان می‌دهد ابراهیم (ع) در این آیات با پدر حقیقی خود سخن می‌گوید. هرچند وی در پایان این بیانات با عبارت «والله العالم» به تردید خود در دلایل اشاره می‌کند؛ اما نکته جالب این است که در پایان این دلایل در پاورقی با ذکر چند روایت و عباراتی از مفسران مشهور در مورد موحد بودن آباء پیامبران می‌گوید: پس هرگاه این روایات صحیح باشد ما هم به اینکه پدر ابراهیم مشرک نبوده است ملتزم می‌شویم اما این التزام به خاطر روایات است و نه دلالت آیات آن گونه که تفسیر المیزان بیان نموده است.

## ۵. نتیجه

تطوراتی که در طول دوره‌های مختلف تفسیری در مورد آیه ۷۴ سوره انعام و مهم‌ترین مسئله آن یعنی نسبت «آزر» با ابراهیم (ع) رخ داده است را می‌توان به عنوان مثالی از تحول در روش و عمق تفاسیر قرآن تلقی کرد. در تفاسیر اولیه معمولاً نکته‌ای به جز ظاهر این آیه برداشت نمی‌شود اما به تدریج حساسیت‌های کلامی به رشد مباحث تفسیری کمک می‌کند و مفسران را به سوی تحلیل‌هایی عمیق‌تر از این آیه سوق می‌دهد. دو دیدگاه موجود در تفسیر این آیه تلاش می‌کنند از شیوه‌های مختلفی مانند بررسی روایات تفسیری از صحابه و تابعین، کاربردهای دو واژه «آب» و «والد» در قرآن کریم، در نظر گرفتن داده‌های منابع تاریخی مانند تورات، روایاتی از پیامبر اکرم و مباحث لغوی و تحلیل‌های ادبی، برای اثبات دیدگاه خود استفاده کنند. هر چه به دوره معاصر نزدیک‌تر شویم میزان استفاده از این روش‌ها پیچیده‌تر می‌شود به این معنا که مفسر برای اثبات دیدگاه خود تلاش می‌کند از چند روش استفاده کند و هم‌زمان به نقد دیدگاه مقابل هم پردازد؛ اما تحولی که در دوره معاصر رخ داد این بود که مفسرانی مانند صاحب المنار به تحلیل انگیزه‌های مخالفین در تفسیر این آیه روی آوردند و برای تقویت دیدگاه خود به تخریب و تردید افکنی در انگیزه‌های مفسران مقابل پرداختند. این روش به صورت ناخودآگاه مفسران مقابل را به تردید و عقب‌نشینی از مواضع خود می‌کشاند. به نظر می‌رسد این فضا بر تفسیر و برداشت علامه فضل‌الله از این آیه و نقدهایی که به علامه طباطبایی وارد کرده بی‌تأثیر نبوده است. توضیح آنکه علامه فضل‌الله متعلق به جریان تفسیری شیعه اما در منطقه جغرافیایی لبنان است که در قیاس با ایران، بیشتر تحت تأثیر فضای تفسیری اهل سنت قرار دارد. طبیعی است که فضل‌الله و مفسرانی مانند او در ارائه دیدگاه‌های تفسیری خود ملاحظات تقریبی بیشتری دارند و دفع تهمت‌هایی مانند تفسیر با تعصبات شیعی برای آن‌ها اهمیت بیشتری می‌یابد.

## منابع

- قرآن کریم.
- ابن فارس، احمد بن فارس (۱۳۹۹ ق): «معجم مقاییس اللغة»، بیروت: دارالفکر.
- ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۱۹ ق): «تفسیر القرآن العظیم»، ریاض: مکتبه نزار مصطفی الباز، چاپ سوم.
- ازهری، محمد بن احمد (۱۴۲۱ ق): «تهذیب اللغة»، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- افتخارزاده، سید حسن (۱۳۹۴ ش): «نظرخواهی درباره حضرت ابوطالب»، سفینه، سال دوازدهم، شماره ۴۸، صص ۹-۲۱.
- آلوسی، محمود بن عبدالله (۱۴۱۵ ق): «روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی»، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- بابایی، علی اکبر (۱۴۰۱ ش): «قواعد تفسیر قرآن»، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- حسینی میرصفی، معصومه السادات و حسینی میرصفی، سیده فاطمه (۱۳۹۱): «بررسی آیات ظاهر در نفی عصمت حضرت ابراهیم (ع)»، مطالعات تفسیری، سال سوم، شماره ۱۲، صص ۱۱۷-۱۳۸.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۶ ق): «مفردات الفاظ القرآن»، بیروت: دارالشامیه.
- رضا، محمد رشید، (۱۴۱۴ ق): «تفسیر القرآن حکیم الشهیر بتفسیر المنار»، چاپ اول، بیروت: دار المعرفه.
- روبین، یوری، رضایی، حسن و علوی مهر، حسین (۱۳۸۷ ش): «بررسی مقاله انبیاء و نبوت»، قرآن پژوهی خاورشناسان، ۳(۵)، صص ۸۱-۶۵.
- زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷ ق): «تفسیر کشاف»، بیروت: دار الکتب العربی.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰ ق): «المیزان فی تفسیر القرآن»، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، چاپ دوم.
- طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ ق): «جامع البیان فی تفسیر القرآن»، بیروت: دار المعرفه، چاپ اول.
- طوسی، محمد بن حسن (بی تا): «التبیین فی تفسیر القرآن»، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ اول.
- عهد عتیق، تورات (۱۳۹۳ ش)، ترجمه: پیروز سیار، تهران: هرمس.
- فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰): «التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)»، چاپ سوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- فراء، یحیی بن زیاد (۱۹۸۰ م): «معانی القرآن»، قاهره: هیئة المصریة العامة للکتاب، چاپ دوم.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (بی تا): «العین»، بیروت: دار ومکتبه الهلال.
- فضل الله، محمد حسین (۱۴۱۹ ق): «من وحی القرآن»، بیروت: دار الملک، چاپ اول.
- قرشی، علی اکبر (۱۳۶۴ ش): «قاموس قرآن»، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- قشیری، عبدالکریم بن هوازن (۲۰۰۰ م): «لطائف الاشارات: تفسیر صوفی کامل للقرآن الکریم»، قاهره: هیئة المصریة العامة للکتاب، چاپ سوم.
- قطب، سید (۱۴۲۵ ق): «فی ظلال القرآن»، بیروت: دار الشروق، چاپ سی و پنجم.
- لوقا (۱۳۶۳ ش): «انجیل لوقا»، تهران: انجمن کتاب مقدس.
- ماسون، دنیز (۱۳۸۵ ش): «قرآن و کتاب مقدس؛ درون مایه های مشترک»، مترجم فاطمه سادات تهامی، تهران: دفتر پژوهش و نشر سهروردی.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ ق): «بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام»، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مصطفوی، حسن (۱۴۱۶ ق): «التحقیق فی کلمات القرآن الکریم»، تهران: مرکز نشر علامه مصطفوی.
- مقاتل بن سلیمان (۱۴۲۳ ق): «تفسیر مقاتل بن سلیمان»، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ اول.
- واعظ زاده خراسانی، محمد (۱۳۸۷ ش): «المعجم فی فقه لغة القرآن و سر بلاغته»، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی.

## References

The Holy Quran

- Ibn Faris, Ahmad ibn Faris (1399 AH): "Mu'jam Maqayis al-Lugha", Beirut: Dar al-Fikr.
- Ibn Abi Hatam, Abdul Rahman ibn Muhammad (1419 AH): "Tafsir al-Quran al-Azim", Riyadh: Maktabat Nizar Mustafa al-Baz, 3rd ed.
- Azharī, Muhammad ibn Ahmad (1421 AH): "Tahdhib al-Lugha", Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-Arabi.
- Eftekhāzadeh, Seyyed Hasan (1394 SH): "Consultation Regarding Hazrat Abu Talib", Safinah, Year 12, No. 48, pp. 9-21.
- Alousi, Mahmud ibn Abdullah (1415 AH): "Ruh al-Ma'ani fi Tafsir al-Quran al-Azim wa al-Sab' al-Mathani", Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah.
- Babayi, Ali Akbar (1401 SH): "Qawa'id Tafsir al-Quran", Qom: Research Institute of Hawzah and University.
- Hosseini Mirsafi, Masoumeh al-Sadat and Hosseini Mirsefi, Seyyed Fatemeh (1391): "Review of Verses Denying the Innocence of Hazrat Ibrahim (AS)", Interpretative Studies, Year 3, No. 12, pp. 117-138.
- Raghib Isfahani, Hossein ibn Muhammad (1416 AH): "Mufradat Alfaz al-Quran", Beirut: Dar al-Shamiyyah.
- Reza, Muhammad Rashid (1414 AH): "Tafsir al-Quran al-Hakim Famous as Tafsir al-Manar", 1st ed., Beirut: Dar al-Ma'rifah.
- Rubin, Yuri, Rezaei, Hassan, and Alavi Mehr, Hossein (1387 SH): "Review of the Article on Prophets and Prophethood", Quranic Studies of Orientalists, 3(5), pp. 65-81.
- Zamakhshari, Mahmud ibn Umar (1407 AH): "Tafsir al-Kashaf", Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi.
- Tabatabai, Muhammad Hossein (1390 AH): "Al-Mizan fi Tafsir al-Quran", Beirut: Al-A'lami Foundation for Publications, 2nd ed.
- Tabari, Muhammad ibn Jarir (1412 AH): "Jami' al-Bayan fi Tafsir al-Quran", Beirut: Dar al-Ma'rifah, 1st ed.
- Tusi, Muhammad ibn Hasan (n.d.): "Al-Tibyan fi Tafsir al-Quran", Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-Arabi, 1st ed.
- Old Testament, Torah (1393 SH), "translated by Pirouz Siyar", Tehran: Hermes.
- Fakhr Razi, Muhammad ibn Umar (1420 AH): "Al-Tafsir al-Kabir (Mafatih al-Ghayb)", 3rd ed., Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-Arabi.
- Farā'ī, Yahya ibn Ziyad (1980 AD): "Ma'ani al-Quran", Cairo: Egyptian General Authority for Books, 2nd ed.
- Farahidi, Khalil ibn Ahmad (n.d.): "Al-Ayn", Beirut: Dar wa Maktabat al-Hilal.
- Fadlullah, Muhammad Hossein (1419 AH): "Min Wahī al-Quran", Beirut: Dar al-Malak, 1st ed.
- Qurashi, Ali Akbar (1364 SH): "Qamus al-Quran", Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah.
- Qushayri, Abdul Karim ibn Hawazin (2000 AD): "Lata'if al-Isharat: A Complete Sufi Interpretation of the Holy Quran", Cairo: Egyptian General Authority for Books, 3rd ed.
- Qutb, Seyyed (1425 AH): "Fi Zilal al-Quran", Beirut: Dar al-Shuruq, 35th ed.
- Luqā (1363 SH): "Injil Luqā", Tehran: Association of the Holy Book.
- Mason, Denise (1385 SH): "Quran and the Holy Book; Common Themes", translated by Fatemeh Sadat Tahami, Tehran: Office for Research and Publication of Suhrawardi.
- Majlisi, Muhammad Baqir (1403 AH): "Bihar al-Anwar al-Jami'a li-Durar Akhbar al-A'immah al-A'ṭhar (Peace be upon them)", Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-Arabi.
- Mostafavi, Hassan (1416 AH): "Al-Tahqiq fi Kalimat al-Quran al-Karim", Tehran: Center for Publication of Allameh Mostafavi.
- Muqatil ibn Sulayman (1423 AH): "Tafsir Muqatil ibn Sulayman", Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-Arabi, 1st ed.
- Va'ez Zadeh Khorasani, Muhammad (1387 SH): "Al-Mu'jam fi Fiqh Lughat al-Quran wa Sir Balaghatih", Mashhad: Foundation for Islamic Research.